

خبرنامه هفتگی

مدیریت تعارض منافع

شماره سی و هفتم - ۱۶ تا ۲۲ اسفند ۱۳۹۹

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی
۲۳ اسفند ۱۳۹۹

۳۷



بنام خداوند جان و آفریننده



خبرنامه هفتگی مدیریت تعارض منافع

شماره سی و هفتم - ۱۶ تا ۲۲ اسفند ۱۳۹۹

مجموعه مطالعه و پایش تعارض منافع در ایران - ۳۷

مرکز توانمندی سازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

۲۳ اسفند ۱۳۹۹



فهرست مطالب

- درآمد: لوازم و اقتضائات مدیریت تعارض منافع در مجلس..... ۲
- «قانون جامع رفاه» پادزهر تعارض منافع..... ۶
- لوايح شفافيت و تعارض منافع توسط مجلس حتى اعلام وصول هم نمى شود..... ۷
- برای مبارزه با فساد اصلاح ساختار مقدم است يا اصلاح کارگزار؟..... ۷
- تأثيرات لايحه مدیریت تعارض منافع در مبارزه با فساد چیست؟..... ۸
- جذب اقوام سببی و نسبی در شهرداری با وجود مصوبه تعارض منافع..... ۸
- تضاد منافع در وزارت بهداشت، مانعی مقابل تسهیل صدور مجوز..... ۹
- چگونگی مدیریت تضاد منافع در ایجاد کانون سهامداران حقیقی..... ۹
- لایحه مدیریت تعارض منافع همچنان پشت در مجلس است..... ۱۰
- بررسی تعارض منافع صداوسیما در پنل شفافیت و مقابله با فساد..... ۱۱
- دفاع از منافع مشترک باشگاه‌ها جایگزین تعارض منافع شود..... ۱۱
- عدم امکان ایجاد بخش خصوصی واقعی با وجود تعارض منافع..... ۱۲
- تولی‌گری دولت در سازمان بورس عامل ایجاد تضاد منافع است..... ۱۲
- اتهام عدم افشای تضاد منافع برای یک روزنامه‌نگار آمریکایی..... ۱۳
- تحلیل فضای مجازی: تعارض منافع؛ از روده گوسفند تا نخ جراحی..... ۱۴

درآمد: لوازم و اقتضائات مدیریت تعارض منافع در مجلس راهکارهای فعلی مدیریت تعارض منافع چه مشکلاتی دارند؟

میلاذ زمان

در یک سالی که گذشت تعارض منافع در مجلس شورای اسلامی از موضوعات و مباحث پرتکرار در فضای عمومی کشور بود. تعارض منافع در مجلس ابعاد مختلفی دارد و در موارد مختلفی خودش را نشان می‌دهد. به عنوان مثال می‌توان ردپای تعارض منافع را در کشمکش‌ها و ماجراهای بررسی و تصویب و رد لایحه‌ها و طرح‌هایی مانند معافیت‌های مالیاتی اعضای هیئت علمی و قضات یا کارانه پزشکی تا موضوع طرح شفافیت آرا نمایندگان ملاحظه کرد. این امر نشان دهنده اهمیت و گسترش موضوع تعارض منافع از یک طرف و همچنین نشان دهنده اهمیت جایگاه مجلس شورای اسلامی در ساختار حاکمیت کشور است. بدین معنی که تبعات تعارض منافع در نهادی مانند مجلس به قدری زیاد است که واکنش‌های اینگونه را در پی داشته است. در واقع به دلیل اینکه مجلس تقریباً در تمامی حوزه‌های حکمرانی کشور نقش و فعالیت دارد، تعارض منافع در آن موجب پدید آمدن مشکلات زیادی می‌شود که این مشکلات نمود بیشتری در جامعه دارند.

یکی از موارد تعارض منافع در مجلس، تعارض منافع بین منافع ملی و منافع منطقه‌ای است. منظور این است که نمایندگان مجلس بین منافع ملی و کشوری و منافع منطقه‌ای و حوزه انتخابیه خود دچار تعارض شده و در غالب موارد دومی را بر اولی ترجیح می‌دهند. بدین معنی که نمایندگان مجلس فعالیت‌های تقنینی و نظارتی خود را بر مبنای این انجام می‌دهند که بیشترین آورده را برای منطقه و حوزه انتخابیه خود داشته باشند حتی اگر برخلاف منافع ملی کشور باشد. به طور مثال می‌توان گفت که پروژه‌های عمرانی زیادی وجود دارد که نمایندگان مجلس با فشار آوردن بر دولت در مناطق خود اجرا کردند و اکنون نیمه کاره رها شده است. یا بعضاً در دوره‌هایی از مجلس مشاهده شده که نمایندگان باهم ائتلاف می‌کنند و از وزرا می‌خواهند تا پروژه‌های عمرانی (عمدتاً غیرکارشناسی و بدون اولویت) را در مناطق خود اجرا کنند، در غیر اینصورت برای استیضاح وزیر اقدام می‌کنند. از این قبیل مسائل می‌توان به گسترش مناطق آزاد تجاری، طرح‌های غیرزیست‌محیطی خطوط انتقال آب و احداث پتروشیمی‌ها در مناطق غیرکارشناسی نام برد. از آنجا که این پروژه‌ها عمدتاً نیمه‌کاره رها می‌شوند و یا اگر هم به بهره‌برداری برسند کارایی ندارند، هزینه زیادی به کشور تحمیل کرده‌اند و آسیب جدی به منافع ملی وارد می‌کنند.

این تعارض منافع می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. یکی از دلایلی که برای این امر ذکر می‌شود این است که نوع نظام انتخاباتی در کشور و نحوه ورود نمایندگان به مجلس، زمینه‌ساز این تعارض است. بعد از انقلاب و در زمان شکل‌گیری ساختار سیاسی و حاکمیتی جدید کشور، به منظور اینکه مجلس شورای اسلامی از کل مردم ایران

نمایندگی کند حوزه‌های انتخابیه خرد انتخاب شدند و حوزه‌های انتخابیه تک کرسی موارد قابل توجهی را به خود اختصاص دادند و اکنون حدود ۶۰ درصد از کرسی‌های نمایندگی در مجلس، تک کرسی هستند. این امر به فردی شدن سیستم انتخاباتی دامن زد بدین معنی که در حوزه‌های انتخاباتی تک کرسی رابطه بین نماینده و رای‌دهندگان شخصی و مستقیم است و دیگر بر مبنای عضویت در حزب و یا دارا بودن برچسب سیاسی احزاب نخواهد بود. از این رو فرد برای رای جمع کردن باید اقدامات به ظاهر حمایت‌گونه از منطقه خود کند و با آنها شناخته شود. در حوزه‌های انتخابی بزرگتر و دارای چندکرسی به دلیل عدم وجود رابطه مستقیم بین نمایندگان و رای‌دهندگان، احزاب و عضویت داشتن در آنها باعث شناخته شدن نماینده می‌شود. از طرف دیگر عدم وجود نظام حزبی در کشور نیز منافع بلندمدت و ملی را فدای منافع کوتاه‌مدت و منطقه‌ای می‌کند، چرا که نماینده رای خود را از مجرای حزبی که قرار است سال‌های متمادی فعالیت کند و نیازمند حمایت مردم است کسب نکرده است، بلکه با اقدامات نمایشی و احتمالاً مانور بر روی مسائل قومی به کرسی مجلس رسیده است و به دنبال کسب منافع در دوره کوتاه عمر سیاسی خویش است. این عدم وجود تحزب افق سیاست‌گذاری در کشور را کوتاه‌مدت کرده است. این حوزه‌های کوچک امکان شکل‌گیری احزاب را از بین می‌برند و همچنین امکان رصد نحوه تامین مالی رقابت‌های انتخاباتی را تضعیف می‌کنند که باعث می‌شود گروه‌های ذی‌نفوذ و صاحب قدرت محلی با تامین مخارج انتخابات، نماینده را زیر دین خود داشته باشند.

از طرف دیگر تمرکزگرایی ساختار سیاسی و اقتصادی کشور، توسعه غیرمتوازن پیرامون مرکز و عدم وجود نهادهای موثر محلی، تعارض منافع ملی و منطقه‌ای در مجلس شورای اسلامی را دامن می‌زند. ایران کشوری با تنوع قومی بالا است که این تنوع حکمرانی یکپارچه را پیچیده و چالش‌برانگیز می‌کند. تنوع قومی در کنار تمرکزگرایی و توسعه غیرمتوازن در استان‌ها و مناطق موجب شکل‌گیری انتظارات بیشینه از حاکمیت می‌شود. بدین معنی که مناطق پیرامونی همواره خواستار حل مشکلات و معضلات خود هستند و کمتر به مسائل ملی توجه می‌کنند. دلیل این امر می‌تواند احساس بی‌توجهی از جانب مرکز و نبود نهادهای محلی باشد. حال به این وضعیت، تنوع قومی با طیف وسیعی از انتظارات گروهی نیز باید اضافه شود. این انتظارات متنوع و تصور ناصحیح تقابل مرکز و پیرامون موجب می‌شود تا پایگاه رای نمایندگان مناطق خواستار امتیازگیری هر چه بیشتر نماینده خود از حاکمیت و مرکز برای منطقه خود باشند. در این فضا دیگر نماینده‌ای که در مجلس در جهت منافع ملی اقدام می‌کند چندان مورد توجه نخواهد بود و آن نماینده‌ای موفق و پرطرفدار خواهد بود که در دوره نمایندگی خود امتیازات و پرژوه‌های بیشتری برای منطقه خود بدست آورده است. شاهد این مدعا نیز می‌تواند نحوه ورود و فعالیت نمایندگان تهران و سایر کلانشهرها در ادوار مختلف مجلس باشد که بیشترین وجه سیاسی را دارند و ملاک امتیازگیری آنها برای تهران نیست، به همین دلیل عمده فعالیت‌های آنها در مجلس حول مسائل ملی می‌گردد.

مجموع نکات ذکر شده نشان می‌دهد که ساختار سیاسی و حاکمیتی موجب بروز و خلق موقعیت‌های تعارض منافع می‌شود. در واقع توجه به بستری که خود شرایط و زمینه بروز تعارض و منافع را مهیا می‌کند همان مقدار اهمیت دارد

که توجه به موقعیت‌های تعارض منافع در بخش‌های مختلف مهم است. بنظر می‌رسد اصلاح بستر سیاسی و حکمرانی از ملزومات مهم مدیریت تعارض منافع در مجلس است.

از جمله راهکارهای مدیریت تعارض منافع در شرایط فعلی، طرح شفافیت ارایی نمایندگان مجلس شورای اسلامی عنوان شده است. این طرح که از سال ۹۷ مطرح شده و تاکنون دوبار حد نصاب رای در مجلس را بدست نیاورده به دنبال آن است که رای نمایندگان به هر طرح و لایحه‌ای شفاف و مشخص باشد تا نماینده پاسخگوی رای خود باشد. اینکه شفافیت امری ضروری برای تمام حوزه‌هاست، مورد اجماع است. شفافیت باعث می‌شود تا هیچ فرد یا نهادی نتواند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند اما در خصوص این طرح توجه به استدلال مخالفان ضروری است. از نظر مخالفان این طرح، شفافیت آراء سبب شود که برخی گروه‌ها با عملیات‌های رسانه‌ای و فشار آوردن به نمایندگان، مجلس را از ریل تصمیم‌گیری صحیح خارج کنند. رسانه‌ها و گروه‌های ذی‌نفوذ می‌توانند با اقدامات پوپولیستی و تاثیرگذاری بر جامعه بر نمایندگان مجلس فشار بیاورند و بررسی کارشناسی طرح‌ها و لوایح کمتر مورد توجه قرار گیرد. از طرف دیگر شفافیت مطلق آرا ابزارها و فعالیت‌های نمایندگان را محدود می‌کند و به طور مثال در طرح سوال و تحقیق و تفحص و یا استیضاح وزرا، نمایندگان را دچار چالش جدی با دیگر نهادها و سازمان‌ها می‌کند و ممکن است آنها رای واقعی خود را ندهند. ضمن اینکه بحث شفافیت یک بحث محدود و یکطرفه نیست. اگر شفافیت مطالبه جامعه است مطمئناً مشخص است که منظور شفافیت در تمامی حوزه‌ها و دستگاه‌هاست. جامعه مدافع شفافیت برای همه ارکان حاکمیت از جمله دولت، مجلس، قوه قضائیه، خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای اقتصاد، شورای برنامه‌ریزی استان‌ها و غیره است. این امر از آن جهت مهم است که شفافیت یک قوه در صورت عدم شفافیت قوای دیگر و سایر نهادهای حاکمیتی به طور عملی تضعیف عملکرد آن قوه است. چرا که افراد و نهادها دیگر می‌توانند کماکان مسئولیت تصمیمات خود را نپذیرند و به راحتی در فضایی غیرشفاف عمل کنند و بازخواست نشوند ولی نمایندگان مجلس زیر ذره‌بین قرار بگیرند. این کار یکی از مهمترین نهادهایی که با رای مستقیم مردم ارتباط دارد را در برابر دیگر نهادهای انتخابی و انتصابی تضعیف می‌کند. بنابراین این طرح زمانی کارایی دارد که همزمان با آن نهادهای حاکمیتی دیگر نیز دارای شفافیت آرا و تصمیمات باشند.

یکی دیگر از راهکارهایی که در یک سال اخیر برای مدیریت تعارض منافع نمایندگان مجلس مطرح شد، بازبینی ترکیب هیئت نظارت بر عملکرد نمایندگان است. نظارت بر عملکرد نمایندگان مجلس یک موضوع حساس و پیچیده است که عدم توجه به ظرایف آن موجب تضعیف و یا نقص اصل تفکیک قوا می‌شود. اخیراً طرحی در مجلس مطرح شد که ترکیب هیئت نظارت را دچار تغییر می‌کند. براساس این طرح یک نفر از قضات دیوان عالی کشور با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و به انتخاب مجلس و یک نفر از حقوقدانان شورای نگهبان به معرفی دبیر شورای نگهبان و انتخاب مجلس به هیئت نظارت اضافه می‌شود. این امر ممکن است موجب تداخل وظایف و نقض اصل تفکیک قوا شود. در موضوع نظارت بر عملکرد نمایندگان، نظارت بیرونی و درونی مطرح است که هرکدام مشکلات خود را دارد ولی بطور قطع

نظارت بیرونی اگر از جانب قوای دیگر باشد اصل تفکیک قوا را زیر سوال می برد. بعضی کشورها نظارت درونی و بیرونی را با هم ادغام می کنند و به مدل ترکیبی می رسند، در آنجا هم نهاد بیرونی نه از دیگر قوا و نهادها که از میان مردم عادی به انتخاب احزاب شکل می گیرد.

بدین ترتیب در مقوله‌ی مهم مدیریت تعارض منافع در مجلس که امری حیاتی و غیرقابل انکار است، باید به دو نکته‌ی مکمل توجه داشت. نخست آنکه ساختار سیاسی و اجتماعی موجب شکل‌گیری تعارض منافع در مجلس می شود بنابراین توجه به اصلاح این ساختار برای مدیریت تعارض منافع باید اولویت اول باشد. دوم آنکه دیگر راهکارهای فعلی مدیریت تعارض منافع در مجلس اگر در عمل موجب تضعیف قوه مقننه به عنوان یک رکن مهم مردم‌سالاری و یک نهاد انتخابی در برابر دیگر نهادها شود، نه تنها مشکلی حل نخواهد شد بلکه خود موجب بروز مسائل عدیده دیگری در ساختار حاکمیتی کشور می شود.

گزیده اخبار، تحلیل‌ها و گزارش‌های هفته گذشته در حوزه تعارض منافع به این شرح است:

اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور بار دیگر تاکید کرد که لوابح شفافیت و مدیریت تعارض منافع را که دولت در سال گذشته تصویب و به مجلس فرستاده، تا امروز حتی در مجلس اعلام وصول نیز نشده است.

حجت نظری، عضو شورای شهر تهران طی تذکری به شهردار تهران گفت: با وجود مصوبه تعارض منافع که در شورای شهر به تصویب رسید اما همچنان شاهد هستیم که بعضا مدیران شهرداری، به عنوان مدیر کل اقوام سببی و نسبی خود را جذب سیستم شهرداری می کنند.

میکائیل عظیمی، پژوهشگر ارشد حوزه رفاه و تأمین اجتماعی، تضاد منافع سازمانی از جمله در نظام برنامه و بودجه را عامل معطل ماندن قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی از سال ۱۳۸۳ تا امروز عنوان کرده است.

مهرداد سراجی، مدیرعامل سایپا و عضو هیئت رئیسه فدراسیون فوتبال با اشاره به مسئله تعارض منافع در فوتبال گفت: در شرایط کنونی که مجری مسابقات و ارکان نظارتی و قضایی هر دو در ذیل فدراسیون فعالیت می کنند باعث تضاد منافع شده است؛ چطور می شود که مجری و ناظر، هر دو زیر مجموعه یک ساختار باشند؟

علی اکبر گرجی، معاون ارتباطات و پیگیری اجرای قانون اساسی معاون حقوقی ریاست جمهوری، با اشاره به معطل ماندن لایحه‌ی مدیریت تعارض منافع در مجلس گفت: یکی از اتفاقات عجیبی که امروز در نظام قانونگذاری رخ می دهد، این است که بسیاری از ایده‌ها و لوابح که قبلاً در مراکز دیگر دولتی یا حتی غیردولتی تهیه و تدوین شده، با دگردیسی‌های عجیبی، به عنوان طرح در مجلس ارائه می شود.

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی - ۲۳ اسفند ۱۳۹۹



«قانون جامع رفاه» پادزهر تعارض منافع

میکائیل عظیمی (پژوهشگر ارشد حوزه رفاه و تأمین اجتماعی) - ۱۸ اسفند ۹۹
 ◀ کلیات تعارض منافع

«قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» مصوب اردیبهشت سال ۱۳۸۳ دو هدف اصلی را دنبال می‌کند، هدف نخست، سامان دادن به شیوه پرداخت یارانه ناکارآمد و غیر مؤثر در اقتصاد ایران است و دیگری، ایجاد وحدت فرماندهی در نظام متعارض و پراکنده توزیع یارانه در کشور است.

چرا این قانون به‌درستی اجرا نشد؟ به نظر می‌رسد، که تضاد یا تعارض منافع در بین بازیگران این حوزه بسیار برجسته و از زمان تصویب و حتی قبل از تصویب قانون هم قابل مشاهده بود. به‌طور نمونه، سازمان برنامه‌بودجه زیر بار ساماندهی یارانه‌ها نرفت و درنهایت، وزارت رفاه تشکیل شد. بعدها، سازمان هدفمندی یارانه‌ها تلاش کرد توزیع یارانه‌ها را در اختیار داشته باشد و سرانجام هم به هدف خود رسید.

«قانون جامع رفاه» تلاش می‌کرد، تعارض منافع بین نهادها و مدیران را که پیش از آن بسیار برجسته بود، شناسایی و متعادل سازد و در واقع، پادزهر تعارض منافع نهادها و مدیران است. هدف قانون جامع رفاه، حل تضاد منافع گروه‌های اجتماعی بود که در نظام‌های شغلی خودنمایی می‌کرد؛ برای مثال بخشی از کارمندان حاکمیت که از خدمات رفاه بالاتری برخوردار بوده و هستند با اجرای کامل «قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» باید هم‌ردیف سایر کارمندان می‌شدند و در این صورت، بین خدمات رفاهی مثلاً، کارکنان دبیرخانه وزارت نفت با کارکنان مثلاً، دبیرخانه وزارت آموزش و پرورش، تفاوتی نخواهد بود یا حتی مسئول دفتر شورای نگهبان و رئیس‌جمهور، خدمات بیشتری نسبت به مثلاً، مسئول دفتر فلان وزارتخانه، تفاوت دریافتی فاحشی نخواهند داشت.

اشتباه بزرگ وقتی رخ داد که واقعیت تضاد منافع بین گروه‌های اجتماعی و انعکاس آن را در نظام سیاسی نادیده گرفتیم. در یک ساختار سیاسی مبتنی بر توزیع رانت، گروه‌های سیاسی از طریق حامی پروری تلاش می‌کنند، جایگاه سیاسی و اجتماعی خود را تثبیت کنند و در چنین فضایی، دور از انتظار نیست، اغلب نهادها، گروه‌ها، سازمان‌ها و هسته‌های ذی‌نفوذ، حاضر نشوند ابزارهای توزیع رانت خود را به سیستمی رسمی و واحدی چون وزارت رفاه، واگذار کنند و تن دادن به قواعد بوروکراتیک را به زیان سازوکارهای توزیع رانت میان حامیان خود بپذیرند.

مادامی که یکسری قواعد رفتاری در جامعه پایدار می‌ماند، به همان نسبت تعارض منافع هم باقی می‌ماند. تعارض منافع لایه ظاهری از توزیع کانون‌های قدرت در جامعه و انعکاس آن در ترتیبات نهادی کشور است. بنابراین، اگر دنبال تغییر تعارض منافع هستیم باید ترتیبات نهادی هم، تغییر کند که شامل قواعدی رسمی و غیررسمی یا حتی سازمان‌ها و نهادهایی است که همانند گذشته، حضور دارند. اما می‌بینیم، هیچ تغییری در روابط بین سازمان‌ها و گروه‌ها ایجاد نشده یا تغییری در ترتیبات نهادی صورت نگرفته است. بنابراین، طبیعی است که تعارض منافع هم سر جای خود باقی بماند.

باید موانع اجرایی نشدن قانون مصوب سال ۸۳، بررسی و ریشه‌یابی شوند و اگر این موانع همچنان وجود دارند، تدابیر و راهکارهای لازم برای برطرف کردن اتخاذ شود تا ضمن بازگشت به این قانون بر زمین مانده، گره بزرگی از چالش‌های خطرناک رفاه اجتماعی و فاصله طبقاتی و فقر را باز کند.

لوايح شفافيت و تعارض منافع توسط مجلس حتى اعلام وصول هم نمي شود

اسحاق جهانگيري (معاون اول رئيس جمهور) - ۱۸ اسفند ۹۹

◀ طرح و لايحه ي تعارض منافع



اينکه بعد از اين همه سال از دستور رهبري، عدد فسادها بيشتري شده نشان مي دهد که اشکالي در کار است و اين بدان معناست که يا در مبارزه با فساد صادق نيستيم و يا درست عمل نمي کنيم که بايد آسيب شناسي جدي در اين بخش صورت پذيرد. تا وقتي همه چيز پشت ديوار شيشه اي قرار نگیرد فساد وجود خواهد داشت. لايحه شفافيت را در سال گذشته در دولت تصويب و به مجلس فرستاديم، اما تا امروز حتى اين مصوبه اعلام وصول نيز نشده است. تعارض منافع يکي ديگر از زمينه هاي فساد است. لايحه تعارض منافع نيز در دولت تصويب و براي تصويب نهايي به مجلس فرستاده شده است. هيچ مدير دولتي حق ندارد در موضوعي که خود در آن ذينفع است تصميم گير باشد و موضوع تعارض منافع نيز عمدتاً به خود قوه مجريه باز مي گردد.

نقش اصلي مبارزه با فساد تحقق کامل دولت الکترونیک است و بايد در اين دولت به هر قيمتي که شده است دولت الکترونیک به نقطه قابل قبولی برسد چراکه دو کانون اصلي فساد يعني زمين و پول با استفاده از سامانه هاي نظارتی قابل ردیابی و کنترل هستند.

✉ موسسه تحلیلی بازار فردا

برای مبارزه با فساد اصلاح ساختار مقدم است یا اصلاح کارگزار؟

علی چاوشی (فعال دانشجویی) - ۱۸ اسفند ۹۹

◀ کلیات تعارض منافع



مناظره اول مرحله نيمه نهايي نهمين دوره مسابقات ملي مناظره دانشجویان ايران «برای مبارزه با فساد اصلاح ساختار مقدم است بر اصلاح کارگزار»، بين دو تيم فکرت به عنوان مخالف و فرهنگ به عنوان موافق برگزار شد. علی چاوشی از تيم فکرت به عنوان مخالف گزاره گفت فساد اقتصادی از تعارض منافع بر می آید که یا ساختار بنیاد است یا عامل بنیان. کلیدواژه دوم کارگزار یا ایجت است. شخص حقیقی یا حقوقی که به واسطه اختیاراتی که ساختار حقوقی به او تفویض کرده در آن محدوده کنشگری انجام می دهد. ساختار هم چارت یا نظام حقوقی و آیین نامه ای است که اختیاراتی دارد. اختیارات قانونی ساختار یعنی وضع قانون از سوی کارگزاران حقوقی. حال سوال این است که آیا منشأ دیگری غیر از کارگزار وجود دارد که قانون وضع کند یا خیر؟ کارگزار ساختار را وضع می کند و بعد از آن باید مشروعیتش را از خود ساختار بگیرد. این یک دور بوده و یک نوع رابطه دیالکتیکی بين ساختار و کارگزار وجود دارد. طرح شفافیت آرای نمایندگان دو دوره است در مجلس رای نمی آورد وقتی صحبت می شود می گویند تعارض منافع وجود دارد. یا دولت با ارائه بودجه بر مبنای عملکرد مخالفت می کند چرا که بودجه را به اتاق شیشه ای تبدیل می کند. ساختار می تواند افراد را تغییر دهد اما ساختار را کارگزاران اصلاح می کنند.

✉ سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی

تاثیرات لایحه مدیریت تعارض منافع در مبارزه با فساد چیست؟

سید محمد صادق آل محمد (وکیل دادگستری) - ۱۸ اسفند ۹۹

◀ طرح و لایحه‌ی تعارض منافع



لایحه "مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی" فراهم آوردن راهکاری برای مبارزه با مفاسد اداری، اقتصادی، قضایی و شبه قضایی است. در این لایحه به تعارض منافع خصوصی و عمومی حساسیت بیشتری نشان داده شده است زیرا مقامات و مسئولین مملکتی در برخی موارد بین اهداف و منافع عمومی مملکتی و منافع خصوصی خود با تعارض منافع مواجه می‌شوند؛ از جمله ممکن است گاه بین مقامات قضایی و کارکنان دستگاه قضا و داوران طرفین اختلاف، تعارض منافع پیش آید؛ در چنین وضعیتی رعایت اصل بی طرفی توسط قضات و داوران در مراجع قضایی و شبه قضایی و نیز نهاد داوری کاملاً ضروری و حتمی است.

اصل استقلال و مستقل بودن نهادهای قضایی و داوری و حتی نهادهای اداری مملکتی اقتضا دارد که چنانچه قاضی و داور و یا هر مقام اداری تصمیم‌گیرنده در رعایت بی طرفی یا استقلال خود شک و تردید داشته باشد؛ در این موارد قطعاً باید از قضاوت و داوری و تصمیم‌گیری امتناع و خودداری نماید تا شبهه اختلاف منافع پیش نیاید.

در لایحه مدیریت تعارض منافع تدابیری اندیشیده شده است که در مواقع تعارض بین منفعت شخصی مشمولان قانون در مقام انجام وظایف یا اعمال اختیارات قانونی آنان با منافع عمومی مدیریت و نظارت موثری اعمال شود و جلوی احیاناً فساد اداری و اقتصادی و وظایفی از این طریق گرفته شود.

بررسی مبارزه با تعارض منافع یکی از مهم‌ترین عوامل بروز فساد در نظام مملکت است. اگر برخورد جدی با متخلفین شود بدون شک اعتماد عمومی جلب خواهد شد و دموکراسی محقق می‌شود و فساد ناشی از تعارض منافع کاهش خواهد یافت. باید سعی جدی به عمل آید که لایحه مدیریت تعارض منافع تقدیمی به مجلس شورای اسلامی، از هر حیث و جهات مختلف تکمیل و تصویب و به مرحله اجرا درآید تا طریق موثری برای مبارزه با فساد از هر نوع باشد.

📧 پایگاه خبری تاریخ ما

جذب اقوام سببی و نسبی در شهرداری با وجود مصوبه تعارض منافع

حجت نظری (رئیس کمیته مشارکت‌های مردمی شورای اسلامی شهر تهران) - ۱۹ اسفند ۹۹

◀ تعارض منافع در حوزه‌ی شوراهای شهرداری



با وجود مصوبه تعارض منافع که در شورای شهر به تصویب رسید اما همچنان شاهد هستیم که بعضاً مدیران شهرداری مشخصاً به عنوان مدیر کل اقوام سببی و نسبی خود را و یا همسرشان را جذب سیستم شهرداری می‌کنند لذا باید گفت این مصوبه شورا با دقت لازم دنبال نشده است.

لذا به شهرداری تهران تذکر می‌دهم که مصوبه تعارض منافع می‌بایست به دقت در سیستم شهرداری اجرا شود و جذب اقوام سببی و نسبی کاملاً خلاف مقررات است.

📧 خبرگزاری ایسنا

تضاد منافع در وزارت بهداشت، مانعی مقابل تسهیل صدور مجوز

محمود نجفی عرب (رئیس کمیسیون اقتصاد سلامت اتاق تهران) - ۱۹ اسفند ۹۹
◀ تعارض منافع در حوزه‌ی سلامت و درمان



نمایندگان بخش خصوصی در نشست اسفندماه خود که با حضور رئیس مرکز ملی مطالعات پایش و بهبود محیط کسب‌وکار وزارت اقتصاد برگزار شد، به بیان چالش‌های اصلی مرتبط با صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها و اعطای مجوزها پرداختند.

محمود نجفی عرب عنوان کرد که کمیسیون اقتصاد سلامت اتاق تهران از دی ماه سال گذشته، درگیر جداول موسوم به فهرست IRC است و به موجب تخلفی که سازمان غذا و دارو مرتکب شده، دولت از این محل، ۱۰۰ میلیارد تومان درآمد شناسایی کرده که این مساله هزینه تولید را افزایش داده و قیمت اقلام سلامت‌محور را افزایش می‌دهد. وزارت بهداشت مکلف به اصلاح این جداول شده، اما این وزارتخانه تاکنون نسبت به این امر تمکین نکرده است. به صورت پایلوت اصلاح این فهرست را در قالب تسهیل و ساده‌سازی صدور مجوزهای کسب‌وکار مورد پیگیری مرکز ملی بهبود محیط کسب‌وکار قرار گیرد. مصوبه شورای عالی اداری در مورد تسهیل صدور مجوزها، نیز حوزه بهداشت و درمان را مستثنی دانسته است. این در حالی است که وزارت بهداشت مملو از تضاد منافع است.

📍 پایگاه خبری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

چگونگی مدیریت تضاد منافع در ایجاد کانون سهامداران حقیقی

سعید اسلامی (دبیرکل کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران و عضو شورای عالی بورس) - ۱۹ اسفند ۹۹
◀ تعارض منافع در بازار سرمایه



سال‌هاست که تعدادی از مدیران بازار سرمایه به دنبال ایجاد کانون سرمایه‌گذاران حقیقی یا سهام‌داران خرد هستند. چالش‌هایی در این زمینه وجود دارد. شرایط عضویت، نحوه فعالیت، تعریف سهام‌دار خرد، تضاد منافع و ... مسایل کلیدی است. در کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران با ۳۴۸ عضو گاهی منافع اعضا همخوان نیست، یعنی تداخل فعالیت وجود دارد. این در حالی است که تضاد منافع قطعا در کانونی با اعضای بسیار فراگیرتر مشکلات بیشتری را ایجاد می‌کند. اما با همه مشکلات باید دریچه و کانالی برای حفظ حقوق سهام‌داران خرد در بازار سرمایه بازکنیم. متأسفانه رتبه فعالیت ما در این زمینه در مقایسه با سایر کشورها بسیار پایین است. اگر چنین کانونی ایجاد شود قطعا باید صدای مشترک سهام‌داران خرد باشد. اما در پدیده‌ای که به دنبال آن هستیم تضاد منافع بسیار زیاد است و با شرایط اجتماعی فعلی نمی‌توانیم در آن صدای مشترک داشته باشیم.

اگر ساز و کار بازار سرمایه به نفع سرمایه‌گذاری غیرمستقیم بود امروز احتمالاً به جای ۲۶ میلیون سرمایه‌گذار مستقیم، تعداد مشخصی صندوق سرمایه‌گذاری در سهام داشتیم و آن‌ها می‌توانستند منافع خود را از طریق کانون‌های فعلی پیگیری کنند.

📍 سایت خبری تحلیل بازار

لایحه مدیریت تعارض منافع همچنان پشت در مجلس است

علی اکبر گرجی (معاون ارتباطات و پیگیری اجرای قانون اساسی معاون حقوقی ریاست جمهوری) - ۱۹ اسفند ۹۹
 ◀ طرح و لایحه‌ی تعارض منافع



دولت بنا به چالش‌هایی که پیش روی خود می‌دید و مسأله‌هایی که با آنها مواجه بود، از مدت‌ها قبل به این فکر بود که لایحه مدیریت تعارض منافع را تدوین کند. این لایحه توسط معاونت حقوقی ریاست جمهوری تدوین شد و زمانی که ما به معاونت حقوقی آمدیم و مسئولیت معاونت پیگیری اجرای قانون اساسی به ما سپرده شد. پیش نویس لایحه تعارض منافع بسیار مفصل بود، همکاران ما در معاونت حقوقی جلسات بسیار متعددی تشکیل دادند و این لایحه را از نظر کارشناسی بررسی کردند. در نهایت تصمیم گرفته شد کوتاه‌تر شود و به ۴۰ ماده تقلیل پیدا کند.

تا جایی که من اطلاع دارم این لایحه هنوز در دستور کار مجلس قرار نگرفته و یکی از اتفاقات عجیبی که امروز در نظام قانونگذاری رخ می‌دهد، این است که بسیاری از ایده‌ها و لوایح که قبلاً در مراکز دیگر دولتی یا حتی غیردولتی تهیه و تدوین شده، با دگردیسی‌های عجیبی، به عنوان طرح در مجلس ارائه می‌شود. در بسیاری از موارد طرح‌هایی را شاهد هستیم که حتی اعلام وصول نیز شده است اما متأسفانه حتی نمایندگان فرصت نکردند که ایرادات تاپیی و ویرایشی این طرح‌ها را اصلاح کنند که دود این موضوع در وهله اول به چشم مجلس خواهد رفت. تعجیل در عرصه قانونگذاری به نحوی است که گاهی مرکز پژوهش‌ها فرصت تحلیل این طرح‌ها را ندارد.

من معتقدم بسیاری از ثروت‌هایی که در طول چهل سال گذشته، توسط افراد متصل به حکومت اندوخته شده، نامشروع است و در حقیقت در کنار همین منفعتهای متعارضی که داشتند، بسیاری از افراد از کوخ‌ها به کاخ‌ها کوچ کردند. حقوق دریافتی کارکنان بخش‌های عمومی همیشه به مقدار سد جوع بوده است. چطور ممکن است شخصی که نه تخصص ویژه‌ای داشته، نه فعالیت اقتصادی خاصی، از طریق حقوق ماهیانه دولتی به سرمایه‌های آنچنانی دست یافته باشد. به همین خاطر تصویب لوایحی مانند شفافیت یا تعارض منافع خوب است اما مهمتر از تصویب، اجرای تمام عیار و بدون اغماض و بدون استثنای قانون است.

شما نمی‌توانید قواعد مبارزه با تعارض منافع را در قوه مجریه اجرا کنید اما در قوه قضاییه اجرا نکنید یا در این دو قوه اجرا کنید اما برای رهبری و نهادهای تحت‌الامر رهبری اجرا نکنید. تعارض منافع و مبارزه با آن استثنا بردار نیست. این تجویزهایی که در نظام قانونگذاری شاهد آن هستیم و به عرف قانونگذاری تبدیل شده است، نشانه ناتوانی سیستم در مبارزه با فساد است یعنی شما قصد دارید برای انجام یک کار خوب نظارتی از رهبری اجازه بگیرید؟ یعنی شک دارید که رهبری مخالف فساد و تعارض منافع است؟ شک دارید که رهبری تمایل دارد بر اینکه بر بنیاد مستضعفان، آستان قدس، بنیاد برکت، ستاد اجرایی فرمان امام و صدا و سیما نظارت صورت بگیرد؟ نظارتی که مبتنی بر کسب اجازه از نظارت شونده باشد، اساساً نظارت نیست.

در چهل سال گذشته موقعیت‌های متعارض متعددی وجود داشته که با آن مبارزه نشده است. ریشه برخی از ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌های کنونی را باید در عدم اجرای قواعد روشن حقوقی جستجو کرد. می‌دانید که هنوز هم تجمیع سمت‌ها و مشاغل برای فقهای محترم شورای نگهبان ممنوع نیست و ظاهراً عمل قبیحی نیز به شمار نمی‌رود.

✍ خبرگزاری ایلنا



بررسی تعارض منافع صداوسیما در پنل شفافیت و مقابله با فساد

جامعه اندیشکده‌ها - ۲۱ اسفند ۹۹

◀ کلیات تعارض منافع

جامعه
اندیشکده‌ها

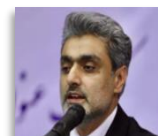
پنل شفافیت و مقابله با فساد، به عنوان شانزدهمین پنل مرحله دوم جایزه ملی سیاستگذاری، با ۴ ارائه از ۳ اندیشکده در روز ۱۶ اسفندماه به انجام رسید. مصطفی عباسی از اندیشکده شفافیت برای ایران، به اقسامی از تعارض منافع در سازمان صداوسیما پرداخت و یکی از انواع این تعارض را انگیزه‌های قومی و استانی در این سازمان معرفی کرد. ولی کالچی از مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، درس‌های مهم گرجستان برای ایران را در موضوع مبارزه با فساد، اولاً تنظیم سند جامع در این باره و دوماً ایجاد یک نهاد متولی متمرکز دانست. راضیه شیخ رضایی از مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه، سرگذشت حقوق‌های نجومی را مرور کرد و راهکار پرداخت متمرکز دستمزد را برای حل این معضل پیچیده پیشنهاد داد. داوری این پنل را سحر کوثری، فرزاد حجتیان مقدم و امیرحسین چیت‌ساززاده بر عهده داشتند.

جامعه اندیشکده‌ها

دفاع از منافع مشترک باشگاه‌ها جایگزین تعارض منافع شود

مهرداد سراجی (مدیرعامل سایپا و عضو هیئت رئیسه فدراسیون فوتبال) - ۱۹ اسفند ۹۹

◀ تعارض منافع در ورزش



فدراسیون فوتبال مسئول تیم‌های ملی و متولی توسعه فوتبال در تمام نقاط کشور، خصوصاً مناطق کمتر برخوردار است. نباید وقت و انرژی خود را صرف برگزاری مسابقات فوتبال کند. فدراسیون فوتبال شأنیت نظارت و کنترل دارد و باید مسئولیت اجرایی برگزاری مسابقات را به خارج از ساختار فدراسیون و سازمان لیگ منتقل کند. در صورت اجرای این طرح ارکان نظارتی فدراسیون فوتبال از جمله کمیته داوران، کمیته اخلاق و کمیته انضباطی در چارچوب اساسنامه فدراسیون فوتبال با رویکردی جدید صرفاً به وظایف ذاتی خود که همان نظارت و کنترل است، خواهند پرداخت و با اقتدار و جدیت می‌توانند فرآیندهای اجرایی برگزاری مسابقات را کنترل کنند. در شرایط کنونی که مجری مسابقات و ارکان نظارتی و قضایی هر دو در ذیل فدراسیون فعالیت می‌کنند باعث تضاد منافع شده است، چطور می‌شود که مجری و ناظر، هر دو زیر مجموعه یک ساختار باشند؟

ادامه‌ی این شرایط یعنی پذیرش آسیب‌های متعدد که در سال‌های اخیر در فدراسیون ایجاد شده است و برای برخی از افراد شاغل در فدراسیون در دستگاه‌های نظارتی و محاکم قضایی پرونده تشکیل شده و باعث سختی تحرک مدیران فدراسیون شده است.

خردمندی حاکم در بخش خصوصی باعث خواهد شد دفاع از منافع مشترک باشگاه‌ها جایگزین تعارض منافع در مدیریت فوتبال بشود و کارکرد نهایی آن رشد و اعتلای فوتبال ایران خواهد بود.

ورزش سه

عدم امکان ایجاد بخش خصوصی واقعی با وجود تعارض منافع

میثم مهدیار (جامعه شناس) - ۱۷ اسفند ۹۹

◀ کلیات تعارض منافع



امکان ایجاد بخش خصوصی واقعی با وجود تعارض منافع وجود ندارد، از این رو در کنار خصوصی سازی باید مسئله تعارض منافع حل شود. معتقدم به بهانه خصوصی سازی نباید خدمات عمومی از جمله آموزش خصوصی سازی شوند؛ چرا که این مسائل نردبان‌های اجتماعی هستند که موجب تحرک اجتماعی طبقات پایین جامعه می‌شوند. ما با خصوصی سازی دست طبقات مرفه جامعه را باز می‌گذاریم و این در حالی است که ما باید به طبقات پایین اجازه سازماندهی اجتماعی بدهیم. با اعمال شفافیت می‌توان از فساد در مسیر واگذاری‌ها جلوگیری کرد؛ البته تمام اقتصاددانان لیبرال و تمام مجالس اصولگرا و اصلاح طلب در این راه شکست خوردند. به هر روی وقتی وزیر و اعضای ارشد ستاد وزارت بهداشت خود در بخش خصوصی فعالیت می‌کنند نمی‌توان انتظار داشت که تحولی رخ بدهد.

✉ خبرگزاری دانشجویان ایران

تولی‌گری دولت در سازمان بورس عامل ایجاد تضاد منافع است

محمد رضا قاسمی (تحلیلگر بورس) - ۲۲ اسفند ۹۹

◀ تعارض منافع در بازار سرمایه



رشد تراکنش‌های بازار به دلیل معاملات بر خط و سیال بودن بازار سرمایه از یک طرف و دشواری ارزش گذاری در بازار سرمایه به نسبت سایر بازارهای مالی (به دلیل تنوع محصول و روش ارزش گذاری) لزوم نیاز به نظارت بر رفتار فعالان بازار سرمایه را دوچندان می‌کند. ولی نحوه نظارت و بی‌طرفی در انجام معاملات و همچنین شفافیت و کارایی اطلاعاتی بازار نیاز اصلی بازار سرمایه است و نه صرفاً ظاهری از نظارت، آن هم به صورت انفرادی بر هر کدام از نمادها. ایرادی که به نوع رفتار ناظر بازار و در زیرمجموعه آن ناظر نمادها وجود دارد برخورد سلیقه‌ای در جلوگیری از بروز تخلفات است که این رفتار به مبهم بودن تعریف نحوه نظارت و باز بودن دست ناظر برای اعمال یا عدم اعمال نظارت بر رفتار معامله‌گران است. در حالی که اندازه سهم، میزان معاملات، حجم سهام شناور آزاد، ارزش معاملات روزانه بازار و وضعیت معاملاتی صنعت متبوع سهم برای تعیین مصادیق تخلف معامله‌گر در نحوه معاملات مهم است، مثال‌های زیادی داریم که تناقضات رفتاری ناظران در نمادهای مختلف را نشان می‌دهد.

راهکارهای زیادی برای کاهش این شائبه‌های دستکاری ارائه شده که به نظر استقلال سازمان بورس برای نظارت بهتر بر بازار سرمایه و به‌ویژه رفتار حقوقی‌ها، هسته اصلی اصلاحات در بازار سرمایه است. متولی اصلی حقوقی‌های فعال در بازار سرمایه در این اقتصاد دولتی همان دولت است که سبب ایجاد تضاد منافع با حقیقی‌هایی می‌شود که خود متولی اصلی حمایت از حقوق آنان است. نظارت بر رفتار معاملاتی بازار هم نیاز به قوانین دقیق و نه سختگیرانه دارد که دامنه اعمال نظر ناظر بازار را محدودتر کند که اگر ایرادی هم از خطای انسانی در نحوه نظارت است، به حداقل ممکن برسد.

✉ پایگاه خبری پرسون

اتهام عدم افشای تضاد منافع برای یک روزنامه‌نگار آمریکایی

گروه بین الملل خبرگزاری دانشجو - ۲۲ اسفند ۹۹

◀ نمونه‌های جهانی تعارض منافع



شیفر مقالات زیادی در نشریه‌های شناخته‌شده آمریکایی، از جمله نیویورک تایمز، واشینگتن پست، وال استریت ژورنال، فارن افرز، و رویترز منتشر کرده است. بسیاری از این مقالات ماهیت ضدروسی (و ضدایرانی) دارند و در آن‌ها تلاش شده آذربایجان به عنوان شریکی برای آمریکا با موقعیت جغرافیایی میان ایران و روسیه معرفی شود. این در حالی است که شیفر تا سال ۲۰۱۴ صرفاً وابستگی‌های آکادمیک خود را برای این رسانه‌ها افشا می‌کرد و اشاره‌ای نمی‌کرد که مشاور رئیس شرکت دولتی نفت آذربایجان موسوم به «سوکار» نیز هست. نیویورک تایمز ماه سپتامبر سال ۲۰۱۴ مقاله‌ای تحت عنوان «زمین‌خواری بعدی روسیه» به قلم شیفر درباره تنش‌های میان ارمنستان و آذربایجان منتشر کرد که در آن ادعا شده بود روسیه ممکن است بعد از کریمه به فکر دست‌اندازی به قفقاز جنوبی (و احتمالاً آذربایجان) باشد. حدود یک هفته پس از انتشار این یادداشت، نیویورک تایمز وادار شد یک «یادداشت سردبیری» به انتهای این مقاله اضافه کند (کاری که واشینگتن پست نیز بعداً انجام داد) که از این قرار بود: «این مقاله با موضوع تنش‌ها میان ارمنستان و آذربایجان، افشا نکرد که نویسنده مشاور شرکت دولتی نفت آذربایجان بوده است. برندا شیفر، نویسنده این مقاله، مانند سایر نویسندگان ستون نظرات، قراردادی را امضا کرده که او را ملزم می‌کند هرگونه «تضاد منافع»، چه بالفعل و چه بالقوه، را افشا کند. اگر دبیران [نیویورک تایمز] از روابط شیفر با این شرکت اطلاع داشتند، به او اصرار می‌کردند این رابطه را افشا کند.»

این «یادداشت» به نوعی عذر بدتر از گناه بود و رسانه‌های دیگر از انتشار این مقاله انتقاد و حتی شیفر را لایب‌گرم مخفی دولت آذربایجان توصیف کردند. شکی نیست که شیفر در تمام دوران فعالیت خود در پی تحقق منافع رژیم صهیونیستی و کشور آذربایجان بوده است، اما نکته مهم این جاست که تقریباً در هیچ‌کدام از بیوگرافی‌های او اشاره‌ای به همکاری نزدیک وی با این دو نمی‌شود.

✉ خبرگزاری دانشجو

تحلیل فضای مجازی: تعارض منافع؛ از روده گوسفند تا نخ جراحی

سمانه سهرابی

در هفته گذشته، مانند هفته‌های اخیر مسئله تعارض منافع در بورس، مجلس و نظام سلامت همچنان در صدر واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی و توئیتر بود. اما اظهارنظر یک عضو شورای شهر تهران در مورد نمودی از تعارض منافع در شهرداری تهران سبب شد تعارض منافع در شهرداری رتبه اول بازتاب خبری در کانال‌های تلگرامی را از آن خود کند. در گزارش پیش رو به تحلیل واکنش کاربران توئیتری و تلگرامی به مسئله تعارض منافع و مصادیق متنوع آن در حد فاصل ۱۴ تا ۲۰ اسفند ۱۳۹۹ پرداخته‌ایم.

در حالی به آخرین هفته‌های سال ۱۳۹۹ نزدیک می‌شویم که مفهوم تعارض منافع در عرض یک سال رشد قابل توجهی در افکار عمومی و شبکه‌های اجتماعی پیدا کرده است. در یک سال اخیر کوشش شد که واکنش کاربران فضای مجازی (و به ویژه توئیتر) به مسئله تعارض منافع هفته به هفته مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد. در این یک سال روند رو به رشد کمی و کیفی را در شبکه‌های اجتماعی شاهد بوده‌ایم. رشد کمی ناظر بر افزایش نسبی تعداد توئیتهایی است که به طور مشخص بر مصادیقی از تعارض منافع در بخش‌های مختلف کشور دست می‌گذارند. افزایش کیفی نیز عمدتاً ناظر بر کاسته شدن از ابعاد ابهام و کج‌فهمی در مورد تعارض منافع است. در ابتدای سال شاهد یکسان‌پنداری تعارض منافع با فساد، منافع متضاد طبقاتی و دیگر حوزه‌های مفهومی بودیم. اما هر چه به پایان سال رسیدیم، تدقیق مفهومی در اظهارنظر کاربران توئیتری مشهودتر شده است. این امر نویددهنده آن است که شبکه‌های اجتماعی علی‌رغم آنکه پتانسیل تبدیل شدن به محل پراکندن اطلاعات غلط و غیردقیق در مسائل مختلف را دارند، در عین حال می‌توانند به کانونی برای بحث و مفاهمه عرصه عمومی به معنای هابرماسی آن تبدیل شوند. مفاهمه‌ای که گام به گام منجر به پالایش و بهبود فهم عمومی از مسئله غامض و مخربی چون تعارض منافع می‌شود.


سال ۹۹: سال تعارض منافع بورسی


هیچ‌کس تصور نمی‌کرد بورس و بازار سرمایه ظرف یک سال به مسئله‌ای چنین فراگیر در زندگی عموم ایرانیان تبدیل شود. بازی پیچیده دولتمردان با بازار سرمایه و جذب سرمایه‌های خرد و کلان در این بازار سبب شد به زودی زیر و بم این بازار وارد تحلیل‌های تخصصی و عمومی شود. در هفته گذشته نیز مانند بسیاری از هفته‌های اخیر، مسئله تعارض منافع در بورس بازتاب داشت. هر روز نمونه‌ها و مصادیق بیشتری از بروز تعارض منافع در سیستم فعلی بازار سرمایه کشور مطرح می‌شود. کلان‌ترین و فراگیرترین مصداق به تعارض منافع دولت در بازار سرمایه بازمی‌گردد؛ از یک طرف دولت نقش تنظیم‌گر و ناظر در بازار بورس را بر عهده دارد و از طرف دیگر با عرضه سهام شرکت‌ها و موسسات و بنگاه‌های اقتصادی وابسته به خود در بازار، به کنشگر بازار بورس بدل می‌شود. این امر به تعارض منافع سازمانی از نوع قاعده‌گذاری برای خود و نظارت بر خود منجر می‌شود. به علاوه، می‌تواند به سطوحی از کارکنان دولت نیز تسری یافته

و دسترسی به رانت اطلاعاتی از سوی مدیران، سیاستمداران و کارکنان بورس و دیگر دستگاه‌های مرتبط، موقعیت‌های آشکاری از تعارض منافع را رقم بزند.

اما در سطح خردتر، تعارض منافع در بورس در رفتار کارکنان صندوق‌های سرمایه‌گذاری بورس نیز نمودار می‌شود. بنابراین عاملان خرد - کلان و دولتی - غیردولتی بازار بورس درگیر موقعیت‌هایی از تعارض منافع هستند که نیازمند تدبیر جدی برای مدیریت است.

در هفته اخیر دو توثیت مشخص به مسئله‌ی تعارض منافع در بورس پرداختند که نقل آن‌ها خالی از لطف نیست:


 **supreme**: اولین اقدام حذف دامنه نوسان هست ولی بعدش باید کارهای زیادی انجام بشه: - اجرای دقیق و سخت گیرانه‌ی قانون تعارض منافع - گرفتن مالیات بر عایدی سرمایه به جای مالیات بر تراکنش - تعمیق بازار آپشن - برگشت رویکرد سازمان به وظایف اصلی و رگولاتوری به جای دخالت.

 پیشگوی اوماها: سیستم کارگزاری حداقل در ایران، با سود کردن شما تضاد منافع دارد. سود شما در گروی صبر است و سود کارگزار در گروی بی‌قراری!

از دو توثیت مذکور یکی به همان مسئله تعارض منافع دستگاه‌های دولتی در بورس اشاره دارد و دیگری به تعارض منافع در سطوح کارگزاری‌های بورس. ارزیابی چند و چون این دو مصداق را باید به کارشناسان و متخصصان بازار سرمایه واگذار کرد، اما تحلیل مسائل و بی‌ثباتی‌های بازار سرمایه با مسئله تعارض منافع بیانگر یک متفاهم عمومی در جامعه در مورد پیامدهای مخرب تعارض منافع است.

انبان پرتعارض نمایندگان مجلس


تصمیم نمایندگان مجلس به معافیت مالیاتی اعضای هیئت علمی، قضات و پزشکان در قانون بودجه ۱۴۰۰ سبب شده که همچنان سیل انتقادات در فضای توثیتری نسبت به این اقدام ادامه یابد. با اینکه چند هفته از این تصمیم گذشته و این موضوع مکرراً در فضای شبکه‌های اجتماعی مطرح شده، اما قبح مسئله و احساس تبعیض اعضای جامعه از این اقدام اجازه خارج شدن موضوع از دستور کاربران فضای مجازی را نمی‌دهد. مطلبی که در این زمینه در کانال‌های تلگرامی زیادی بازنشر شد به طور خلاصه از این قرار است:

 «نماینده مردم یا نماینده دانشگاه؟ نمایندگان مجلس منافع چه کسانی را دنبال می‌کنند؟ «تعارض منافع» پیشرفت کشور را زمین گیر کرده. نمایندگان مدعی انقلابی‌گری به جای اینکه برای افزایش دستمزد کارگران چاره‌ای بیاندیشند و مشکلات معیشتی مردم را پیگیری کنند، خود را به آب و آتش می‌زنند تا مبادا مالیات اعضای هیئت علمی و قضات افزایش یابد. البته حق هم دارند؛ کم نیستند مسئولان و نمایندگانی که از دانشگاه‌ها لقمه نانی نصیب‌شان می‌شود. کاش مشخص می‌شد کدامیک از نمایندگان مجلس قاضی یا عضو هیئت علمی دانشگاه هستند. در حالی که سایر مشاغل حداکثر تا ۳۵ درصد از حقوق‌شان را باید مالیات بپردازند، به لطف مصوبه

مجلس، اعضای هیئت علمی و قضات که بعضاً حقوق‌های نجومی هم می‌گیرند تنها باید ۱۰ درصد مالیات بپردازند.»


حتماً نمایندگانی که چنین معافیتی برای قضات، اعضای هیئت علمی و پزشکان قائل شدند و به آن رای مثبت دادند، برای این اقدام خود توجیهاتی دارند؛ نظیر اینکه دستمزد اندک این اقشار جامعه که در بسیاری از جوامع دیگر نیز جزو طبقات و گروه‌های پردرآمد هستند، می‌تواند پیامدهای مخربی در پی داشته باشد؛ نظیر ارتکاب تخلف و فساد در سیستم قضایی یا تضعیف نظام سلامت و آموزش دولتی و گرایش پزشکان به حوزه درمان و آموزش عالی خصوصی. اما نکته قابل توجه اینجاست که در جامعه‌ای که با احساس تبعیض مزمن و مستمر مواجه است، تصمیماتی از این قبیل می‌تواند بازتاب منفی و اغراق‌شده‌ای برانگیزد. تردیدی نیست که معافیت مالیاتی مذکور در مقایسه با دزدی‌هایی که از جیب مردم می‌شود، رقم قابل توجهی نیست، اما واکنش تند جامعه به این مسئله بیانگر انتقادهای خشم و نارضایتی پنهان و عمیق‌تر جامعه در مورد تبعیض و نابرابری است. در این میان، نمایندگان مجلس که قاعداً باید مدافع منافع عموم رای‌دهندگان و به ویژه اقشار فرودست باشند، در تصمیمی که شائبه تعارض منافع در آن می‌رود به ابژه اصلی انتقادهای بدل شدند. این مسئله تنها نمود تعارض منافع در مجلس نیست؛ طی یک سال اخیر ابعاد متنوعی از تعارض منافع نمایندگان مجلس شناسایی و عمومی شده است و ضرورتی روزافزون برای تعبیه سازوکاری مدون برای مدیریت تعارض منافع نمایندگان مجلس را ایجاب می‌کند.

اما مطالبه لزوم توجه مجلس به تعارض منافع در مورد افزایش حقوق کارگران و مدیران نیز بازتابی در فضای توییتری داشته است. یکی از کاربران توییتر با خطاب قرار دادن رئیس مجلس در این زمینه چنین توثیت کرده است:


 **Mahdimaalek : @mb_ghalibaf** آیا برای تبعیض و بی‌عدالتی آشکار در جریان افزایش یکسان ۲۵ درصدی حقوق ۵/۲ میلیونی کارگران با حقوق بالای ۲۵ میلیون تومانی مدیران فکری کرده اید؟! یا متأسفانه به خاطر تضاد منافع آنرا نادیده گرفته اید؟!


تعارض منافع در وزارت بهداشت: از روده گوسفند تا نخ جراحی

حوزه سلامت و درمان، پیش‌تاز مباحثه و مناقشه در مورد مصادیق تعارض منافع بوده است؛ همچنان که بسیاری از پژوهش‌ها در مورد تعارض منافع در کشورهای مختلف جهان به حوزه سلامت و درمان به عنوان حوزه‌ای که نظیر مسکن و آموزش تمامی اعضای یک جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اختصاص یافته است. بنابراین دور از انتظار نیست که هر هفته مصداق و موقعیت جدیدی از تعارض منافع در این حوزه علنی شود؛ آن هم در سیستم حکمرانی‌ای که اولیات قواعد مدیریت تعارض منافع در آن تعبیه نشده است. در هفته اخیر، مسئله اشتغال بیرونی دست‌اندرکاران وزارت بهداشت و درمان در حوزه صادرات و واردات واکنشی در توییتر برانگیخت. یک کاربر توییتر در این زمینه نوشت:

 سیدرضا میرزاده: داستان روده گوسفند و نخ جراحی، بهترین نشان برای جهل یا تعارض منافع در وزارت بهداشت: روده گوسفند را با نازلترین قیمت صادر میکنیم، در عوض نخ جراحی حاصل از آن در خارج از کشور را به قیمت گراف وارد میکنیم، ظرفیت این صنعت تا یک میلیارد برآورد شده است.

مسئله نقش نهادهای حرفه‌ای در تعیین ظرفیت و ایجاد انحصار در آموزش و بازار کار که اخیراً بیش از همه در مورد حوزه وکالت مطرح بوده، این هفته مصداقی نیز در حوزه پزشکی پیدا کرد و یک کاربر توئیتر چنین سوالی را به بحث گذاشت:

 **Rohaming**: توجیه اینکه درآمد پزشکی متخصص (مخصوصاً تو زمین‌های خاصی مثل پوست یا چشم) همه جای دنیا انقدر بالاست چیه؟ چرا وقتی این رشته‌ها انقدر طرفدار داره پزشک متخصص پوست و چشم بیشتر تربیت نمیشه؟ جواب خودم: منفعت مالی متخصصان فعلی از پایین ماندن طرف عرضه پزشک متخصص. نظر شما چیه؟ در پاسخ به این توئیٹ که اشاره‌ای به تعارض منافع پزشکان در تعیین ظرفیت پذیرش متخصصان پزشکی (رقبای آتی تصمیم‌گیران فعلی) دارد، کاربر دیگری به نقش انجمن‌های پزشکی در ساختار دولتی تصمیم‌گیری اشاره کرد:

 **Ehsan :@Rohaming** یک دلیلش تعارض منافع هست چون تعیین ظرفیت‌ها عملاً دست انجمن‌های پزشکی است و اونا هم خودشون اغلب مسئولیت کلیدی دارند در نهادهای وزارتی. بنابراین جلوش را میگیرن.

در اینجا نیز موقعیت تعارض منافع قاعده‌گذاری برای خود است که موجب بروز چنین محدودیت‌ها و انحصاراتی می‌شود. قاعده‌گذاری برای خود علی‌رغم آنکه نمود آشکاری در سطح فردی نظیر اشتغال بیرونی یا درب‌های گردان یا پذیرش هدیه ندارد، یکی از پنهان‌ترین و بنیادی‌ترین موقعیت‌های تعارض منافع است که شناسایی مصادیق آن کار ساده‌ای نیست. مواردی نظیر فوق که به امری پذیرفته‌شده در توضیح انحصار در حرفه‌ها و مشاغل بدل شده، شاید آشکارترین نمود از قاعده‌گذاری برای خود باشد.

پرواکنش‌ترین توئیٹ تعارض منافی هفته

در کنار مجلس، بورس و پزشکی که حوزه‌های مکرر کشف و تشریح مصادیق تعارض منافع از سوی کاربران توئیتری هستند، یک توئیٹ از عضو شورای شهر تهران منجر شد که مسئله تعارض منافع در شهرداری بیشترین واکنش تلگرامی و احتمالاً توئیتری را برانگیزد. ماجرا به طور خلاصه به توئیٹ حجت نظری بازمی‌گردد که تصریح کرده بود «با وجود مصوبه تعارض منافع در شورا همچنان شاهدیم که مدیران شهرداری اقوام سببی و نسبی خود را جذب سیستم شهرداری می‌کنند، به #شهرداری_تهران تذکر می‌دهم که مصوبه تعارض منافع را به دقت در سیستم شهرداری انجام دهند.»

این توئیٹ در ده‌ها کانال تلگرامی بازتاب یافت و بسیاری از کاربران اصولگرا نیز فرصت را غنیمت شمردند تا مسئله تعارض منافع در شهرداری را مورد بحث قرار دهند. از جمله کاربری که در واکنش به توئیٹ حجت نظری نوشته است: «خب تکلیف استخدام‌های انجام‌شده چیه؟».

بازتاب گسترده این توئیٹ کوتاه از یک عضو شورای شهر تهران، از دو جهت آموزنده است: نخست اینکه گوش‌های نخبگان حوزه سیاست‌گذاری و کاربران فضای مجازی به بروز تعارض منافع در شهرداری تیز است، چرا که شهرداری نیز مانند آموزش و درمان، با زندگی روزمره بسیاری از مردم سروکار دارد. اما دلیل دوم این است که پرداختن به شهرداری

و مسائل آن، مشمول همان جناح‌بندی سیاسی رایج در کشور است: تسلط چهارساله اصلاح‌طلبان بر شورای شهر و شهرداری تهران و ذره‌بین و بلندگوی رسانه‌ای پرپژواک جریان اصولگرا برای بازنمایاندن تعارض منافع و عدم شفافیت در شهرداری؛ حتی اگر در این چند ساله مدون‌ترین اقدامات برای تثبیت شفافیت و مدیریت تعارض منافع در شهرداری تهران صورت گرفته باشد.

این همان مسئله‌ای است که چندی پیش راقم این سطور، در قالب سرمقاله خبرنامه هفتگی مدیریت تعارض منافع گوشزد کرده بود: بازنمایی رسانه‌ای و سیاسی موقعیت‌های تعارض منافع بر بستری از منازعات سیاسی مزم.



پژوهشکده مطالعات توسعه

خبرنامه هفتگی مدیریت تعارض منافع

مجموعه مطالعه و پایش تعارض منافع در ایران - ۳۷

شماره سی و هفتم - ۱۶ تا ۲۲ اسفند ۱۳۹۹

دبیر خبرنامه: سمانه سهرابی

مجری: مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

شماره واتساپ خبرنامه: ۰۹۰۲۰۴۳۲۹۹۵

